**حکومت اسلامی همه جنایت‌های تاریخی بشر از دوران بربریت تا به امروز را به کار گرفته است!**

**بهرام رحمانی**

[**bahram.rehmani@gmail.com**](mailto:bahram.rehmani@gmail.com)

**حکومت اسلامی ایران یکی از خشن‌ترین و بیرحم‌ترین و جانی‌ترین حکومت‌های سرمایه‌داری جهان است. این حکومت و عوامل آن به راحتی آب خوردن آدم می‌کشد. ایران به نسبت جمعیت دارای رتبه اول اعدام در جهان است. این حکومت در تمامی سال‌های حاکمیت خود دست به اعدام و ترور مخالفان زده است که در این میان می‌توان به اعدام‌ها و ترورهای دهه‌ شصت، به ویژه به اعدام چندین هزار زندانی سیاسی با چند سطر فتوای خمینی در جریان قتل‌عام ۶۷ اشاره کرد.**

**در حکومت اسلامی ایران، همه قوانین مدون بر روی کاغذ هستند و بسیاری از قوانین ناننوشته هستند و فرمان‌ها و فتواهای رهبر بالاتر از هر قوانین مدون آن مملکت فلاکت‌زده و آخوند‌زده است.**

**علی خامنه‌ای در سال ۱۹۸۹ به رهبری حکومت اسلامی رسید بلافاصله نهادی تحت امر مستقیم او موسوم به «کمیته امور ویژه» فعالیت خود را برای ترورهای فردی آغاز کرد.**

**مطالعه و تحلیل خاطرات زندانیان سیاسی بسیار هولناک و تکان‌دهنده و در عین حال آموزنده است. این حکومت از شکنجه‌های دوران بربریت بشر گرفته تا شکنجه‌های مدرن امروزی را بر علیه زندانیان به‌کار می‌گیرد.**

**دست ماموران اطلاعاتی، امنیتی، سپاهی و قضات و زندان‌بانان و شکنجه‌گران به حدی باز است که هر شکنجه و جرمی به عقل‌شان می‌رسد بر علیه زندانی به کار می‌گیرند بی‌آن که هیچ‌گونه محدودیت قانونی و حقوقی و اخلاقی داشته باشند!**

**هدف این مطلب تحلیل و بررسی انواع و اقسام شکنجه‌ها و کشتارها در حکومت اسلامی علیه زندانیان و مخالفاننش است که عمدتا در خاطرات کتبی و شفاهی زندانیان سیاسی سابق و جان بدربردگان از کشتارهای حکومت اسلامی بدان‌ها اشاره شده است.**

**البته ناگفته نماند که تمامی حکومت‌های سرکوبگر استفاده گسترده از شکنجه را به‌عنوان اصلی‌ترین و کارسازترین ابزار برای دست‌یابی به اطلاعات به‌منظور دستگیری، سرکوب، فروپاشی و نابودی نیروهای سازمان‌های چپ و مترقی و مبارز و مخالف خود می‌شناسند.**

**اساسا در دوره‌هایی از تاریخ، شکنجه چنان نهادینه شده بود که بخشی جدایی‌ناپذیر از سیستم قضایی بود؛ به‌عنوان مثال در زمان رم باستان، شهادت برده قبل از شکنجه پذیرفتنی نبود و ابتدا، باید زیر شکنجه به واقعیت اعتراف می‌کرد تا بعد دادگاه بتواند به شهادتش استناد کند.**

**در تاریخ مکتوب بشر، دانشمندان و فلاسفه زیادی قربانی شکنجه دولتی شدند که گالیله و فرانسیس بیکن از جمله این افرادند.**

**از زمان ارباب و رعیتی که خان برای تنبیه و درس عبرت سایرین، رعیت را به چوب می‌بست و فلک می‌کرد گرفته، تا اخته کردن آقامحمد‌خان قاجار، شکنجه لطفعلی‌خان زند و تجاوز جنسی به او به دستور آقا‌محمدخان که خود قربانی شکنجه بود، بریدن گوش و دماغ روستاییان آذربایجانی و بیرون کردن آن‌ها از روستاها در حمله ارتش شاهنشاهی به حکومت جنبش دموکرات آذربایجان و کارنامه ساواک در اعمال شدیدترین شکنجه‌ها علیه زندانیان.**

**از حدود کم‌تر از یک قرن پیش تاکنون، شکنجه سازمان‌یافته در ایران را دو دستگاه امنیتی ساواک در زمان شاه و اداره اطلاعات در زمان حکمرانی حکومت اسلامی اعمال کرده‌اند. برخی بازجویان اداره هشتم ساواک در زمان شاه، که مسئولیت اداره امنیت داخلی را بر عهده داشت، از جمله فریدون توانگری، بهمن نادری‌پور، منوچهر وظیفه‌خواه، رضا عطارپور مجرد، محمدحسن ناصری، همایون کاویانی دهکردی و هوشنگ ازغندی، که متهم به اعمال شکنجه بودند، بعد از انقلاب، در دادگاه، به شکنجه سازمان‌یافته زندانیان اعتراف کردند.**

**با این وجود حکومت اسلامی برخی ساواکی‌ها را اعدام کرد و برخی نیز به خارج کشور گریختند اما بدنه این تشکیلات مخوف در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفت و بسیاری از آن‌ها تا به امروز در خدمت حکومت اسلامی ایران هستند.**

**آن‌چه که حکومت اسلامی را از دیگر حکومت‌های سرکوبگر دنیا متمایز می‌کند تداوم شکنجه، آزار و اذیت و غیر‌انسانی بعد از دوران بازجویی و در دوران تحمل کیفر و حتی بعد از آزادی از زندان است. دامنه اقدام‌های وحشیانه حکومت اسلامی از دستیرگی و شکنجه و اعدام تا آن‌جاست که خانواده و کودکان و سایر نزدیکان زندانیان را نیز در بر می‌گیرد.**

**یکی از اهداف مهم و اصلی حکومت اسلامی از شکنجه، بازگشت زندانی به «دامان اسلام» و توابیت از گذشته و نشان دادن و اثبات آن‌چه بر زبان آورده شده از طریق مشارکت در شکنجه، بازجویی، جاسوسی، زدن تیر‌خلاص و یا همکاری در حلق‌آویز کردن یاران و دوستان پیشین است. برای رسیدن به چنین اهدافی انواع شکنجه، آزار و اذیت توسط عوامل حکومت اعمال می‌شوند.**

**شكنجه پديده‌ای كه از سوی انسان آفريده شده و عليه خود او نيز به كار گرفته می‌شود. معمولا زندانی از همان ابتدای دستگيری مورد تحقير و توهین قرار می‌گيرد، به‌خصوص آن‌كه اين تحقير با پر از حرف‌های لمپنی و فحاشی است. اين فحاشی‌ها اغلب به طرف وابستگان درجه يك زندانی و عمدتا علیه نزدیکان مونث مثل خواهر، مادر و یا همسر زندانی است.**

**یکی از شکنجه‌های رايج علاوه بر ضرب و شتم شلاق زدن است كه تقريبا در تمام زندان‌ها به انحا مختلف اجرا می‌شود. شكنجه گر در اين مورد از دست و پاهای خود به‌عنوان ابزار به حالت مشت، كشيده بر صورت و يا لگد استفاده می‌كند. شلاق اغلب بر كف پاها بيش‌تر از ساير اعضای بدن زده می‌شود. در عین حال نوع آن بستگی به تخصص شكنجه‌گر دارد. شلاق كابل به هم بافته شده و يا رشته‌های چرم به هم بافته و يا رشته‌های لاستيك به هم بافته است؛ که دردناك‌ترين آن نيز محسوب می‌شود. معمولا شکنجه‌گر اين شكنجه را آن‌قدر ادامه می‌دهد كه ديگر در كف پا و اطراف پا از قوزك به پايين جای سالمی باقی نماند. نسوج و گوشت‌های اين نواحی پا تماما از بين می‌رود. شكنجه‌گر بعد از اين مرحله اقدام به استفاده از شلاق‌های نازك‌تر می‌كند كه در بين انگشتان پا زده می‌شود. اين شکنجه نيز تا آن‌جا ادامه می‌یابد كه ناخن‌های زندانی بريزند. گاهی زندانی را سرازير از سقف آويزان می‌كنند و شلاق می‌زنند.**

**در سال‌های اخير بسياری از زندانيان به‌دليل عفونت كليه‌ها بر اثر اعمال اين نوع شكنجه در زندان جان باخته‌اند.**

**گاه نيز شكنجه‌گران با فرو بردن اجسام تيز در بدن، يا فلزات سرخ شده در حرارت، سوزاندن با سيگار و بالاخص كشيدن دندان زندانی بدون استفاده از داروهای بی‌حس‌كننده موارد دیگری از نوع شکنجه است.**

**نوع ديگر زدن در اصطلاح زندانيان تونل و اتاق فوتبال است. تونل عبارت است از سالن بزرگی كه از ابتدا تا انتهای آن دو رديف مامور می ایستند تا زندانی در بين اين دو رديف قرار می‌گيرد. آن‌ها با نواختن ضرباتی با دست، پا و گاهی نيز باتون زندانی را از يك سر اين دو رديف به سر ديگر آن می‌فرستند. در اين نوع شكنجه اگر از باتون يا قنداق تفنگ استفاده شود احتمال شكستن استخوان‌های فك، دندان‌ها، بينی و دنده‌ها بسيار زياد است.**

**زندانی را سرازير‌(معلق) آویزان می‌كنند، به‌خاطر آن‌كه زندانی به جایی تكيه ندارد تا نيروی وارد به او تقسيم شود و به‌خاطر وزن زياد انسان و تمركز اين‌گونه ضربات، انسان كم‌تر حركت پاندولی به خود می‌گيرد و در اين صورت احتمال دارد كوچك‌ترين ضربه موجب شكستگی، نقص عضو و يا حتی مرگ شود.**

**یکی ديگر از مورد شكنجه، استفاده از موی يال اسب است. اگر به موی يال اسب در زير ميكروسكوپ نگاه كنيد دقيقا يادآور اره مویی است كه در بريدن فيبر از آن استفاده می‌شود. طريقه استفاده آن بدين صورت است كه آن را از مجرای تناسلی عبور می‌دهند، يا آن را دقيقا مانند اره در سر سينه‌ها به طرفين حركت می‌دهند. اين عمل برش سريع را باعث نمی‌شود اما درد طاقت‌فرسایی دارد كه هركسی تاب تحمل آن را ندارد.**

**شكنجه جدیدی كه در گذشته بسيار مرسوم بود و در اوايل بر روی كار آمدن حکومت اسلامی نيز به كار گرفته شد، آپولو است. اگر زندانی در هنگام شكنجه فرياد بزند، اين فرياد اثر زيادی در مقاومت او دارد، به‌خاطر اين كه تمام راه‌های مقاومت بر او بسته شود، زندان‌بان اقدام به استفاده از آپولو می‌كند.**

**آپولو عبارت است از وسيله‌ای مانند كلاه‌خود كه از نوك سر تا چانه را در برمی‌گيرد. وقتی آپولو بر سر گذارده می‌شود، نقاط حساس صورت و سر مثل نرمه‌های گوش، انتهای پلك‌های چشم و پره‌های بينی با آن در تماس خواهند بود. اين وسيله انرژی صوتی را به انرژی الكتريكي تبديل می‌كند. به همين دلیل فرياد زندانی در اين مواقع باعث ايجاد شوك‌های شديد الكتريكی می‌گردد كه درد آن در قسمت صورت بسيار زياد است.**

**افراد محكوم به اعدام وحشیانه‌تر و شدیدتر شكنجه می‌شوند به‌طوری كه نحوه اجرای آن بنا به سليقه شكنجه‌گر متفاوت است. رايج‌ترين نوع آن سوزاندن نقاط حساس بدن با اشك شمع است. اما نوع خشن‌تر آن خواباندن فرد بر روی تخت‌های فلزی صاف است كه از زير به وسيله شعله آتش يا دستگاه‌های برقی به‌تدريج داغ می شود. سوزش‌های به‌وجود آمده از اين نوع شكنجه، در اغلب اوقات از نوع درجه سه است. يعنی پوست و تا عمق زيادی گوشت نيز می‌سوزد. گاه نيز شدت سوختگی آن‌چنان شديد است كه ستون فقرات نيز دچار سوختگی می‌شود كه بعد از ريختن نسوج ‌آسیب‌‌ديده ستون فقرات آشكارا به چشم ديده می‌شود.**

**بريدن اعضای بدن طريق ديگری از شكنجه است كه تنها روی افراد محكوم به اعدام صورت می‌گيرد. اعمال اين‌گونه شكنجه تنها به دست آوردن اطلاعات تشكيلاتی است. اين عمل گاه به‌صورت ناقص و گاه به صورت كامل صورت می‌گيرد. یه این شکل كه عضوی از بدن به‌طور كامل بريده می‌شود يا تنها قسمتی از آن از بدن جدا می‌گردد.**

**اصطلاح فقهی آن مثله است كه در فقه اسلامی بر روی دشمنان اسلام انجام می‌گرفت كه مجازاتی شرعی است تا برای هميشه مشخص شوند كه آن‌ها با اسلام  در ستيز بوده‌اند.**

**قطع كامل اعضای بدن آن‌طور كه از نامش پيداست، بريدن و جدا كردن اعضای مختلف بدن است. مثل بينی، گوش‌ها و انگشتان و حتی در مواردی سينه زنان و دست و پا نيز شامل آن می‌شود. البته قطع انگشتان دست و یا خود دست از مچ درحکومت اسلامی ایران يكی از شايع‌ترين مجازات‌هایی به شمار می‌رود كه طبق موازین شرعی در ملاء‌عام نيز صورت می‌گيرد. حکومت اسلامی حتی چشم هم درمیآورد.**

**یکی از ابتكارات لاجوردی معروف به «جلاد اوین» دستگاهی است به نام اتاق قيامت. اين دستگاه صندوقچه‌ای است فلزی به ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر و طول ۹۰ و عرض ۳۰. زندانی را دو لا در آن قرار می‌دادند و سپس صندوق فلزی را در سرمای زمستان يا گرمای تابستان در محوطه باز می‌گذاشتند. برای جا دادن زندانی گاه تا شش نفر روی در آن می‌ايستادند تا در آن بسته شود.**

**شمار بسياری از زندانيانی كه اين شكنجه در مورد آن‌ها اعمال شد به قطع نخاع و يا شكستگی گردن و ستون مهره‌هايشان منجر شد و در بهترين حالت به حالت گرفتگی ستون مهره‌هايشان می‌شد كه تقريبا تمامی آن‌ها به نقص عضوهای دائمی و فلج دائمی دچار شدند.**

**بعضی از شكنجه‌ها نيز برای مدت طولانی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا زندانی را خسته و مقاومت خود را از دست بدهد. برای مثال جای دادن تا ۱۶ زندانی در سلولی كه فقط فضای كافی برای حداكثر ۴ نفر دارد. در اين مواقع زندانيان حتی نمی‌توانند به روی شكم يا كمر خود بخوابند. آن‌ها برای اين‌كه فضای كم‌تری را بگیرند تنها بايد بر روی يك طرف بدن دراز بكشند و در ساعات معينی همه تغيير موضع دهند. چون چرخيدن فردی در آن فضای كم امکان‌پذیر نيست. معمولا زمان تغيير موضع كه در ابتدا بين هم سلولی‌ها تعيين می‌شود بين يك ساعت تا يك ساعت و نيم است. گاهی نیز نیز هم سلولی‌ها به نوبت می‌خوابند.**

**ديگر نمونه شكنجه رها كردن آب در سلولی است كه نه تختخواب دارد و نه وسيله‌ای كه بتوان به روی آن نشست يا ايستاد. در اين صورت تنها راه برای فرار از آب سردی كه در كف سلول قرار دارد‌ اين است كه دائما بايستند يا سر پا بنشينند، كه در هر صورت كف پای زندانی خيس می‌شود. اين شكنجه در بسياری موارد منجر به رماتيسم استخوانی می‌شود.**

**گرسنه و تشنه نگه داشتن زندانی نيز خود يكی دیگر از شكنجه‌هایی است كه در زندان رايج است. چون علاوه بر آن كه قوای جسمانی را تحليل می‌برد كه منجر به پايين آمدن مقاومت بدن در برابر شكنجه می‌شود. درد معده، و اعضای گوارش نوعی از عوارض این شكنجه محسوب می‌شود. به همين دلیل اغلب زندانيان از ناراحتی‌های معده رنج می‌برند و یا دچار زخم معده می‌گردند.**

**«ابتكارات» حکومت اسلامی در عرصه شکنجه تمامی ندارد. یکی از آن‌ها در زمينه شكنجه صندلی راحتی است. اين صندلی مانند تمام صندلی‌ها فرم ویژه‌ای دارد. اما در محل نشيمن گاه آن و دقيقا جایی كه بيضه‌ها می‌توانند قرار گیرند حفره دايره شكلی تعبيه شده، وقتی كه زندانی را بر روی اين صندلی می‌نشانند از محل حفره وزنه‌ای كه معمولا نيم تا يك كيلوگرم است به بيضه‌های او آويزان می‌كنند. اين شكنجه گاه منجر به مقطوع‌النسل شدن زندانی نیز می گردد. يا در حالت بهتر منجر به سياه شدن بيضه‌ها، تورم و چركی می‌شود. درد ناشی از اين شكنجه بعد از گذشت دو تا سه دقيقه غیرقابل تحمل است.**

**شكنجه دیگری كه آن هم از مرسوم‌ترين شکنجه‌هاست استفاده از دستبند در اشکال متفاوت است. اخيرا نيز حکومت اسلامی در تمام انواع آن از دستبندهای آلمانی استفاده می‌كند كه در صورت حركت زندانی به‌طور اتوماتيك بسته‌تر می‌شود.**

**شكنجه با دستبند قپانی رایج‌تر است. بدين نحو كه دست‌های زندانی يكی از بالا و ديگر از پايين به‌طور ضربدر از پشت بسته می‌شود و سپس زندانی از وسط زنجير و دستبند به وسيله قلابی آويزان می‌گردد.**

**فشار و درد اين شكنجه بيش‌تر به گردن و كتف وارد می‌شود. برای كم كردن فشار در اين نواحی احتمالا زندانی سينه خود را به جلو متمايل كند اما ماموران شكنجه با ضربات باتون يا قنداق تفنگ مانع اين كار می‌شوند كه در اكثر موارد‌ اين ضربات موجب شكستگی در ناحيه جناق سينه می‌گردد.**

**نوع ديگر اين است كه دست‌های زندانی به‌طور معمول از پشت بسته می‌شود و سپس زندانی آويزان می‌گردد. اين نوع شكنجه بسيار دردناك است و در همان اولين دقايق موجب در رفتگی كتف‌ها می‌شود و با گذشت چندين ساعت دست‌ها كاملا از كار می‌افتند.**

**شكل ديگر آن كه گاهی چندين روز هم ادامه می‌یابد به هم بستن دست‌هاست به طوری كه دستبند از بين پاها رد می‌شود و دستی از عقب را به دستی ديگر از جلو متصل می‌كند. اين نوع شكنجه آسيب چندان آنی در بر ندارد و فقط برای آزار و اذيت و به تنگنا كشاندن زندانی به كار گرفته می‌شود. اما اگر به طول بيانجامد موجب انحراف در استخوان پشت می‌گردد.**

**آخرين شكنجه از اين نوع كه ابتكار حکومت اسلامی ایران است، بستن اعضای مختلف بدن به يكديگر است. بدين نحو كه گردن او را به يك دست و دست ديگر را به مچ يك پای او می‌بندند، اين شکنجه باعث انحرافات كاملا مشخصی در ناحيه پشت به‌وجود می‌آورد كه امكان راست ايستادن را از او گرفته می‌شود.**

**يكی از شكنجه‌های هولناکی كه عواقب ناگوار بعدی آن دردناك‌تر از خود شكنجه است شوك الكتريكی است كه به صورت‌های مختلف اجرا می‌شود.**

**طريقه اول آن تخت الكتريكی است كه زندانی را روی آن می‌خوابانند يا ايستاده به آن بسته می‌شود و با عبور جريان الكتريسيته از تخت فلزی به زندانی شوك وارد می‌کنند.**

**طريقه دوم آن وصل كردن گيره‌هایی به نقاط حساس بدن مثل گوشه پلك‌ها، لاله‌های گوش، اطراف لب، پره بينی و بيضه‌ها است. اين گيره‌های فلزی به وسيله سيم‌هایی به منبع تغذيه الكتريكی با ولتاژ بالا و آمپر پايين وصل می‌کنند و بعد از روشن كردن كليد مولد شوك وارد می‌شود.**

**طريقه سوم نيز باتون الكتريكی است كه به بدن عريان تماس داده می‌شود.**

**معمولا شوك چند ثانيه بيش‌تر ادامه طول نمی‌كشد اما دفعات آن متوالی است و می‌تواند تعداد آن زياد باشد. در كاربرد باتون الكتريكی معمولا برحسب شدت شكنجه نه تنها اين وسيله برای وارد آوردن شوك مورد‌ استفاده قرار می‌گيرد بلكه به‌عنوان ابزاری برای وارد آوردن ضربه و تجاوز جنسی نيز به كار گرفته می‌شود.**

**عواقب بعدی شوك الكتريكی چروك شدن پوست در نواحی اتصال گيره‌های فلزی است. هم‌چنين به‌خاطر عبور جريان الكتريسيته از بدن مقداری خون تجزيه می‌شود كه در اثر آن گلبول سفيد بی‌شماری در خون كشته می‌شود. زندانی با هر بار ادرار كردن مقاديری خون و چرك نيز دفع می‌كند كه خود دردآور است. عمده‌‌ترين عارضه شوك الكتريكی متوجه كليه‌ها می‌شود كه امكان دارد عفونی شوند و گاه نيز برای هميشه کارکرد خود را از دست بدهند. يكی از ابتكارات حکومت اسلامی برای آزار زندانيان شکنجه صوتی است كه بسيار در زندان‌ها رايج است.**

**مورد ديگر كه يكی از وحشيانه‌ترين عملی است كه انسان در مورد انسانی ديگر می‌تواند به آن دست بزند استفاده از اعضای بدن زندانی‌ها برای ديگران است. حکومت اسلامی ایران در سال‌های ۶۰ تا ۶۲ و در تمام طول جنگ از اعضای داخلی و خون زندانی‌های محكوم به اعدام را برای زخمی‌های جبهه‌های جنگ استفاده می‌كرد. بدين طريق كه خون زندانيان را تا حد ممكن می‌گرفت و سپس آن‌ها را به‌دست جوخه‌های مرگ می‌سپرد. و يا اعضای داخلی آن‌ها را مثل كليه‌ها از بدن خارج‌ می‌كرد و سپس مرگ آن‌ها را مرگ طبيعی جلوه می‌داد. به‌همين دلیل در بسياری موارد حکومت اسلامی از اعلان محل دفن زندانيان به خانواده‌های آنان خودداری می‌كرد و يا بعد از دفن آن‌ها فقط محل دفن زندانی را به خانواده‌های آنان اطلاع می‌داد.**

**حکم این مسئله در تاریخ ۰۳/۰۷/۱۳۶۰ به شماره پرونده ۳۲۵۰ از سوی دادستانی کل انقلاب اسلامی ایران به کلیه دادستانی‌های استان‌ها و شهرستان‌ها صادر شده بود.**

**ديگر نوع شكنجه رايج زندان انفرادی است. تنها چيزی كه يك‌نواختی آن را برهم می‌زند، باز شدن دریچه‌ای كوچك بر روی سلول است كه سه بار در طول شبانه‌روز اتفاق می‌افتد تا غذای زندانی به او داده شود. نه كتابی و يا روزنامه‌ای هست، نه هم صحبتی و نه حتی صدای كركننده بلندگوهای زندان. مدت اين نوع زندانی در حکومت اسلامی گاه به يك‌سال و بيش‌تر هم می‌رسد.**

**نام ديگر آن شكنجه سفيد است. اثرات آن كم‌كم ولی عميق است و اثرات روحی و روانی آن تا سال‌ها و حتی احتمالا تا آخر عمر با انسان همراه خواهد بود. بعد از آن زندانی معمولا كم حرف می‌شود و بيش‌تر در خود فرو می‌رود، به هيچ چيز اطمينان ندارد و حالت تشويش و نگرانی براس مدتی طولانی يا تا آخر عمر با او خواهد بود. حالتی مانند آن‌كه او هميشه منتظر حادثه بدی است. گوشه‌نشين می‌شود و گاه نيز با خود نجوا می‌كند و اصلا به دنيای اطراف خود توجهی ندارد.**

**يكی ديگر از اثرات بعدی زندان انفرادی تكرار مكرر حركات است. حركاتی كه زندانی برای پر كردن زمان خود در زندان به آن‌ها دست می‌زند. گاه نيز زندان چنان كوچك است كه زندانی امكان قدم زدن را هم ندارد. در چنين مواقعي مفصل‌های زندانی به‌علت عدم تحرك دچار آسيب‌های جدی می‌شود چون او مدام مجبور به نشستن بر روی زمين است.**

**نوع دیگری از شکنجه، شکنجه دسته‌جمعی است. بدین صورت که افرادی که در رابطه با یک پرونده دستگیر می‌شوند را هم‌زمان مورد بازجویی و شکنجه قرار می‌دهند و با شکنحه کردن  و گاه تهدید به مرگ یکی از آن‌ها سعی در تخریب فکری از راه ایجاد وحشت یا حس ترحم در دوستان وی می‌کنند. این قضیه در مورد افراد خانواده نیز صورت می‌گیرد طوری که شخصی که مورد آزار قرار می‌گیرد یکی از اعضای خانواده زندانی است که معمولا بی‌گناه هست. گاه نیز ماموران به برای گرفتن اقرار ضمنی ترفندی همراه با دروغ متوسل می‌شوند بدین نحو که به زندانی خبر مرگ یکی از وابستگان نزدیک وی را می‌دهند و یا به او گفته می‌شود  که دوست او یا یکی از افراد خانواده وی اعتراف به فعالیت وی کرده‌اند.**

**یکی از شکنجه‌ها که هم بر روی زندانیان سیاسی و هم زندانیان معمولی اعمال می‌شود اصطلاح جوجه کباب است. نحوه اجرای آن بدین نحو است که پاهای زندانی را به هم می‌بندند، سپس اورا روی زمین می‌نشانند، به دست‌هایش نیز دستبند می‌زنند و دست‌هایش را روی ساق‌های پایش می‌گذارند، پاهایش را جمع می‌کنند تا زانوهایش از بین دستانش در ارتفاع بالاتری قرار گیرند. در این بین چوبی را از روی ساعد دست‌ها و پشت زانو ها رد می‌کنند، زندانی را از زمین بلند می‌کنند و دو طرف چوب را بر روی دو سکو می‌گذارند. در این حالت زندانی در هوا معلق می ماند و بیش‌ترین فشار بر زانوها و آرنج‌های او وارد می‌شود. زندانی را تا مدتی بدین نحو نگه می‌دارند. بعد از پایین آوردن زندانی وی دچار استفراغ شدید همراه با تخلیه شدید گازهای معده و روده می‌شود و تا مدتی تعادل بدنی خود را از دست می‌دهد.**

**یکی دیگر از شکنجه‌ها در حکومت اسلامی سوزاندن نقاط مختلف بدن با سیگار، سوزاندن با فندک، سوزاندن با نفت و گازوئیل و سوزاندن آلت تناسلی با چوب گازوئیلی‌(نامه‌ محمود محمدی یزدی یکی از نمایندگان منتظری در زندان‌ها به خمینی در آبان ۶۶ که در کتاب خاطرات منتظری نقل شده است)، روشن کردن شمع زیر بیضه‌ها که از آن به‌عنوان مراسم جشن تولد یاد می‌شود. ‌**

**تجاوز جنسی یکی ديگر از شكنجه شايع در زندان است كه به مردان كم سن و سال و زنان زندانی اعمال می‌شود. تجاوز جنسی به‌خصوص به زنان تقريبا در تمام كشورهای دنيا در زندان‌های سياسی دیده و شنیده شده است.**

**زندان‌بانان با اين عمل چند هدف را دنبال می‌كنند: شكستن روحيه افراد از جهت روانی، ديگری از نظر فيزيكی و جسمی و سوم نيز ارضا حيوانی خودشان. اين عمل در مورد زنان هم از طريق طبيعی و هم از طريق ديگر صورت می‌گيرد. اما برای مردان از طريق غيرطبيعی و گاه نيز با استفاده از اشيای مصنوعی مثل انواع بطری‌های نوشابه و باتون صورت می‌گيرد كه گاه شدت آن به‌قدری است كه بعد از آن شخص توانایی بچه‌دار شدن را از دست می‌دهد.**

**يكی از شکنجه‌های جان‌کاه آن است كه گاه در مقابل چشمان زندانی، همسرش را مورد ‌شكنجه و گاه نيز تجاوز جنسی قرار می‌دهند.**

**يكی از سخت‌ترين شکنجه‌ها وادار كردن زندانيان به مشاهده جان‌كندن زندانيان زنی است كه محكوم به مرگ می‌شوند. به این زنان پس از بارها تجاوز، حكم اعدام با شليك گلوله پلاستيكی در رحم آن‌ها به اجرا درمی‌آيد. در اين حالت قربانی با درد و رنج وحشتناكی در عرض چند ساعت، بسته به مقاومت بدنی او جان می‌دهد. اما زندانی از درد كشنده‌ای كه دارد و به‌خود می‌پيچد و ضجه و ناله‌هایی كه سر می‌دهد بی‌شك اثر خرد كننده‌ای بر روی زندانيانی دارد كه مجبور به تماشای اين صحنه هستند.**

**انتشار شرح شکنجه‌های نیلوفر بیانی، طی دوران بازداشت و زندان، انعکاس زیادی در شبکه‌های اجتماعی به‌همراه داشت. وی یکی از فعالان محیط زیست است که در بهمن سال ۱۳۹۶ با اتهام جاسوسی رو‌به‌رو شد؛ اتهامی که تا امروز ثابت نشده است.**

**بر اساس اطلاعاتی که بیانی گردآوری کرده، بازجویان در زندان، او را تحت فشار روانی شدیدی قرار داده‌اند تا صدای حیوانات وحشی از خود درآورد. وی در نامه‌ای که در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ به آیت‌الله خامنه‌ای نوشت، از ماجرایی که در یکی از خانه‌های امن سپاه بر وی گذشته، پرده برداشت. او در این نامه گفته است، ۷ مرد مسلح او را به یک ویلای خصوصی در لواسان برده‌اند و به‌رغم امتناع، وادارش کرده‌اند تا صحنه‌های غیراخلاقی و غیر اسلامی آن‌ها در استخر ویلا را مشاهده کند. پیش از این ماجرا بیانی در نامه‌ای دیگر که به رییس بند دو-الف، که در اختیار سپاه قرار دارد، رفتار ماموران را چنین توصیف کرده است: «تکرار مکرر کثیف‌ترین توهین‌های جنسی که در بازجویی‌های طولانی با حضور تیم بزرگی از بازجوها با جزئیات چندش‌آور تخیلی مطرح می‌کردند، و درخواست از من که تصورات جنسی آن‌ها را تکمیل کنم.» در تمام این مدت، نامه‌های او بی‌پاسخ باقی ماندند.**

**نامه‌های منتشر شده از نیلوفر بیانی که در سال ۹۷ به مسئولان مختلفی نوشته شده بوده، حاوی مطالبی در مورد روند بازجویی و رفتار بازجویان است.**

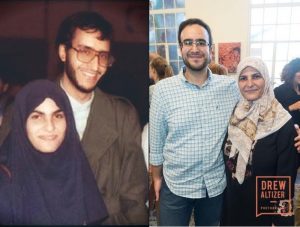
**بازجوها علاوه بر رفتارهای وقیحانه جنسی، با نشان دادن عکس جسد «کاووس سید‌امامی» او را تهدید کردند که اگر هرآن‌چه از او می‌خواهند ننویسد و انجام ندهد، خانواده و همکارانش نیز به سرنوشت سید امامی دچار خواهند شد. گفته می‌شود کاووس سید امامی در سال ۱۳۹۶ در زندان خودکشی کرد. موضوعی که توسط خانواده و نهادهای حقوق بشری، هم‌چنان زیر سئوال است.**

**البته این پایان ماجرا نیست. به جز موارد فوق، بیانی به تزریق آمپول فلج‌کننده و آمپول هوا نیز تهدید شده است. نیلوفر بیانی در بخشی دیگر از نامه‌ای که به رییس بند دو-الف نوشته، از حضور یک بازجوی روحانی پرده برداشته که دارای مجوز ویژه از سوی حسین طائب، برای اجرای شکنجه بوده است. این روحانی به خانم بیانی گفته است، بین ۷۰ ضربه شلاق در دو روز و ۵۰ ضربه در یک روز، یکی را انتخاب کن.**

**نیلوفر بیانی در نامه‌ای که به صادق آملی لاریجانی، رییس وقت قوه قضاییه نوشته، تصریح کرده است که بازجویانش گفته‌اند: «بر دهان قاضی‌ای خواهند کوبید که حکمی غیر از حکم از پیش نوشته‌شده سپاه را در دادگاه قوه قضاییه قرائت کند.» او حتی وقتی به دادستان وقت، عباس جعفری دولت‌آبادی، می‌گوید که اعترافاتش زیر شکنجه بوده، با این پاسخ مواجه شده که دیگر امکان پس گرفتن اعترافاتش را ندارد.**

**نیلوفر بیانی، که کارشناس محیط زیست است، در آخرین داد‌خواهی خود و با استناد به ویدئوهای دوربین مداربسته، از رفتار بازجوی خود، با نام مستعار حمید رضایی ابراز نگرانی کرد. او درباره اعترافات اجباری تحت شکنجه خود می‌گوید که نگران عملی شدن تهدیدات جنسی و وحشیانه بازجو بوده است. بر اساس گفته‌های بیانی، او زیر شدیدترین فشار روانی قرار داشته و در نهایت با رد هرگونه اعتراف به جاسوسی، گفته است که این اعترافات پس از ۱۲۰۰ ساعت بازجویی در فجیع‌ترین شرایط نوشته شده و بی‌اعتبار است. او در دفاع از ادعایش، خواهان بازبینی فیلم‌ها و بررسی مجدد فایل‌های صوتی بازجویی و پرونده پزشکی خود شده است.**

**چنین رسوایی‌هایی درباره شکنجه زندانیان در حکومت اسلامی ایران بی‌شمار است. انتشار فیلم بازجویی همسر سعید امامی توسط همکاران سابق شوهرش نیز درنده‌خویی بازجویان و البته سران حکومت اسلامی را به نمایش می‌گذارد. در آن فیلم نیز بازجوها با ادبیاتی منزجر‌کننده، انواع اتهامات جنسی و توهین‌های رکیک را نثار متهم می‌کردند. اگرچه پیگیری آن پرونده نیز، هیچ‌گاه به نتیجه نرسید. حتی در ماجرای کهریزک و پس از آن‌که مهدی کروبی در مورد تجاوز به بازداشتی‌ها افشاگری کرد، دستگاه قضایی یا به‌درستی بگوییم ماشین سرکوب و کشتار حکومت اسلامی به جای برخورد قاطع با عاملان، با دهن‌کجی به مردم، آن‌ها را با احکامی تمسخرآمیز مواجه کرد تا به حامیانش نشان دهد از حمایت حکومت برخوردارند و مجاز هستند هر عملی را انجام دهند.**

****

**سه عکس از فهیمه دری نوگورانی با سعید امامی در سال‌های دور و اخیرا با فرزندش در آمریکا و در بازجویی**

**در خرداد ۱۳۸۰، فیلمی سه ساعته از مراحل بازجویی فهیمه دری نوگورانی، همسر سعید امامی و تعدادی دیگر از بازداشت شدگان پرونده قتل‌ها منتشر شد و بخش‌هایی از آن بر روی اینترنت قرار گرفت. این فیلم، حکایت از شکنجه‌ شدید این زندانیان برای گرفتن اعترافات اجباری در مورد ارتباط با سرویس‌های جاسوسی دیگر کشورها، ضدیت با حکومت اسلامی، فسادهای گسترده جنسی داشت. بازجوها با تهدید و ضرب و شتم و نسبت دادن اتهامات اخلاقی و جنسی عجیب، درصدد اثبات ارتباط عاملان اجرایی قتل‌های زنجیره‌ای با سرویس‌های بیگانه و سفر به اسرائیل بودند.**

**در بخشی از این فیلم، همسر سعید امامی نه تنها اعتراف می‌کند که عامل موساد و سیا بوده و با چند نفر از مقامات وزارت اطلاعات روابط نامشروع داشته، بلکه وادار می‌شود صحنه‌هایی مشمئزکننده از روابط جنسی گروهی خود با سعید امامی و همکارانش یا اهانت به قرآن در جریان روابط جنسی خیالی را بازگو کند.**

**منتشر‌کنندگان فیلم شکنجه متهمان قتل‌های زنجیره‌ای طی نامه‌ای به رییس‌جمهوری وقت محمد خاتمی در مرداد ۱۳۸۰، تاکید داشتند که بازجویی از متهمان به ویژه متهمان زن دارای صحنه‌های بسیار وحشتناک‌تر بوده که در فیلم موجود نیست.**

**پس از انتشار این فیلم اصلاح‌طلبان نسبت به شکنجه همسر وی اعتراض کردند و با فشار افکار عمومی پرونده از تیم بازجویی قبلی گرفته و به تیم جدید منتقل شد. این تیم ضمن آزاد کردن همسر سعید امامی عده‌ای از مقامات وزارت اطلاعات را دستگیر کرد.**

**البته حکومت اسلامی بعدها پستی را به فهیمه دری نوگورانی واگذار کرد تا از دایره حکومت کنار گذشته نشود. سعید امامی و زنش از دوستان نزدیک مجتبی خامنه‌ای پسر خامنه‌ای بودند.**

**در طی سال‌های پس از آن تعداد کثیری از زندانیان سیاسی و اعتقادی، بخصوص در شهرستان‌ها، پس از آزادی گفتند که در دوران بازجویی شکنجه شده‌اند٬ هرچند نام نشان کمتری از آنان در خاطره‌های باقی مانده است.**

**ستار بهشتی، کارگر و وبلاگ‌نویس، در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۹۱ توسط پلیس فتا دستگیر شد. او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در شبکه‌های اجتماعی بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.**

****

**این کارگر زندانی در مدت بازجویی به شدت توسط پلیس فتا شکنجه شد و در همین جریان درگذشت و در گورستان رباط کریم‌(محل زندگی‌اش) به خاک سپرده شد. بر اساس گزارش ثبت شده در روابط عمومی بهشت زهرای تهران، بهشتی در ۱۳ آبان ماه فوت کرده ‌است.**

**آن زمان عموی ستار بهشتی در گفت‌و‌گو با سایت سحام نیوز خبر داد زمانی که از مسئولان، علت مرگ را جویا شدند به آن‌ها گفته شد: «خفه شوید و به شما ربطی ندارد.»**

**پس از انتشار خبر مرگ بهشتی، ۴۱ نفر از زندانیان سیاسی در نامه‌ای که در سایت کلمه منتشر شد اعلام کردند که «ستار بهشتی روزهای ۱۰ و ۱۱ آبان ۱۳۹۱ در بند ۳۵۰ اوین بوده و آثار شکنجه در تمام قسمت‌های مختلف بدنش مشهود بوده‌است.» در این نامه گفته شده که بهشتی در بازداشتگاه پلیس ایران مورد ضرب و شتم قرار گرفته، از سقف آویزان شده، دست‌هایش را به صورت قپانی بسته‌اند و با لگد به سر و گردنش ضربه زده‌اند.**

**کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران در گزارشی که در ۱۹ آبان ۱۳۹۱ منتشر کرد به نقل از یکی از بستگان بهشتی که جنازه او را دیده بود نوشت: «روی سرش فرورفتگی بزرگی بوده و روی سرش گچ کشیده بودند. صورتش باد کرده بوده‌است. به محض این که بند کفن را باز کردند از کنار زانوی راستش به کفن خون زده و کفن کاملاً خونی شده‌است. علائمی از کالبد شکافی هم روی بدنش بوده‌است.»**

**مادر ستار بهشتی نیز در مصاحبه‌ای با سحام‌نیوز از خونی بودن کفن وی در هنگام دفن کردن سخن گفت.**

**خبر مرگ ستار بهشتی در اثر شکنجه حتی به مجلس هم رسید اما در نهایت هیچ کدام از عاملان و عامران آن مجازات نشدند.**

**ماموران نیروی سرکوبگر انتظامی در مشهد مردی را در خیابان و در ملا‌ءعام با شوکر الکتریکی و گاز فلفل شکنجه کردند و به‌ قتل رساندند. در ویدیوهای منشترشده به تاریخ آبان‌ماه ۹۹ مشخص است که این مرد به نام مهرداد سپهری دست‌هایش بسته شده و یک مامور نیروی انتظامی بارها با شوکر و اسپری فلفل او را شکنجه می‌دهد.**

**خانواده این مرد می‌گویند او در خودروی نیروی انتظامی در اثر گاز فلفل قبل از رسیدن به بیمارستان جان باخته است. گفته می‌شود اسپری فلفل باعث خفگی او در خودروی پلیس شده است.**

**هفته قبل از این جنایت نیز انتشار یک ویدیوی دیگر هم خبرساز شده بود که در آن مامور نگهبانی شهرک مسکونی پالایشگاه نفت در آبادان در استان خوزستان یک زن را آزار می‌داد و بدنش را لمس می‌کرد. و هم‌زمان دو زن و یک مرد دیگر دست‌ها و موهای این زن را گرفته بودند و او را کتک می‌زدند.**

**انتشار این ویدیو در شبکه‌های اجتماعی بسیاری را بهت‌زده و متاسف کرده است. شمار زیادی این ویدیو را با فیلم کشته‌شدن جورج فلوید، مرد سیاهپوست آمریکایی مقایسه کرده‌اند که باعث اعتراض‌های گسترده در آمریکا و شهرهای دیگر جهان شد.**

**فیلم سخنرانی ریاکارانه علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی ایران درباره جورج فلوید دست‌به‌دست می‌شد که گفته بود تصاویر نشستن پلیس روی گردن مرد سیاهپوست و التماس مرد برای نجات همان «لجن ته حوض است که بالا می‌آید و خود را نشان می‌دهد.»**

**خبرگزاری رکنا ویدیویی از فردی که چهره‌اش را پوشانده و مدعی است همان دختر زخمی است منتشر کرده است. در این ویدیو دختر اعتراف می‌کند که با قصد «گرفتن حق‌اش» به خانه فرد سرشناسی که گفته می‌شود مدیر بخش فضای سبز پالایشگاه آبادان است رفته و «با حمایت خانواده‌» حقش را خواهد گرفت.**

**در ویدیوی منتشر شده مامور نگهبان حراست به وضوح اقدام به لمس بدن دختر مجروح می‌کند. این موضوع نیز واکنش‌های زیادی به‌دنبال داشت که مقامات را وادار به ارائه توضیح کرد. ساعاتی بعد خبر بازداشت مامور حراست نیز منتشر شد.**

**جالب آن است که پس از ماجرا از قربانی اعتراف اجباری و تکذیب گرفتند. او در این ویدیو آن‌چه در رسانه‌های خارجی منتشر شده را «شایعه» خوانده و گفته است: «نمی‌دانم رسانه‌های خارجی چه می‌گویند. چون گوشی من را بردند و نمی‌دانم چه دارد می‌شود اما تا جایی که شنیدم خیلی حرف‌ها زده شده که مبنا و منبع موثقی ندارد. نیازی ندارم کسی از جایی بخواهد من را حمایت کند.»**

**یک سال از وقایع خونین آبان ٩٨ می‌گذرد. خانواده و نزدیکان جان‌باختگان و بخش آزادی‌خواه مردم ایران یک لحظه هم این وقایع خونین را فراموش نکرده‌اند. بسیاری از این عزیزان توسط مامورین سرکوبگر حکوتی در کف، در زندان‌ها و یا در نیزارهای ماهشهر وحشیانه به قتل رسیدند. مردم این این واقعه و بسیاری از وقایع تلخ را نه فراموش می‌کنند و نه می‌بخشند اما به فکر انتقام نیستند. عزیزان جان‌باخته از سرکوب، سانسور، فقر، گرسنگی، بی‌تامینی و بی‌حرمتی به جان آمده و به خیابن‌ها آمده بودند تا مطالبات خود فریاد بزنند اما با گلوله و زندان و شکنجه و اعدام جواب گرفتند.**

****

**صدور حکم ۱۰۹ سال حبس و ۲۵۹۰ ضربه شلاق برای ۳۶ تن از بازداشت شدگان اعتراضات آبان در بهبهان. شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان بهبهان، ۳۶ تن از شهروندان بازداشت شده در جریان اعتراضات آبان ۹۸ را مجموعا به ۱۰۹ سال حبس تعزیری، ۲۵۹۰ ضربه شلاق و سه میلیون و سیصد هزار تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم کرد. این حکم امروز پنج‌شنبه ۱ آبان‌ماه در آستانه اولین سالروز این اعتراضات صادر و به متهمان ابلاغ شده است.**

**بر اساس این احکام که در تاریخ ۳۰ مهرماه ۱۳۹۹ توسط شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان بهبهان به ریاست رسول اسدپور صادر و روز پنج‌شنبه ۱ آبان ۹۹ به آنان ابلاغ شده است، این شهروندان در مجموع به ۱۰۹ سال حبس تعزیری، ۲۵۹۰ ضربه شلاق و سه میلیون و سیصد هزار تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم شده‌اند. اتهامات مطروحه علیه این افراد بر اساس دادنامه صادره: «۱. مشارکت در اخلال در نظم عمومی، ۲. درگیری ۳. تجمع غیرقانونی ۴. تمرد نسبت به ماموران حین انجام وظیفه ۵. مشارکت در تحریق اموال عمومی ۶. تخریب با‌نک‌ها و پمپ‌بنزین‌های شهرستان بهبهان و مشارکت در تخریب اموال عمومی» عنوان شده است.**

**۸ متهم پرونده سایت آپارات در مجموع به ۸۹ سال حبس محکوم شدند. شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران، محمد جواد شکوری مقدم، مدیر سایت آپارات را به دلیل انتشار ویدیویی در این سایت به ۱۲ سال حبس محکوم کرد. دادگاه هم‌چنین هفت متهم دیگر این پرونده را به‌دلیل ساخت آن کلیپ در مجموع به ۷۷ سال حبس محکوم کرد. در صورت قطعی شدن این حکم در مرحله تجدیدنظر، از این میزان با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۱۰ سال حبس از بابت اتهام «تشویق به فساد» در خصوص هر یک از این ۸ شهروند قابل اجرا است. پیش‌تر ویدئوی یک مصاحبه سایت آپارات منتشر شد که در آن از کودکان در خصوص «چگونگی متولد شدن‌شان» سئوال شده بود. پس از آن مصاحبه‌هایی اقرارگونه از عوامل تهیه‌کننده این ویدیو در رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی پخش شد که در آن عوامل تهیه که در بازداشت بودند از اقدام خود اظهار ندامت می‌کردند.**

**دادگاه انقلاب تهران ۸ متهم در پرونده سایت آپارات را در مجموع به  ۸۹ سال حبس تعزیری محکوم کرد. بر اساس این حکم که در تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۹۹ توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمد مقیسه صادر و به تازگی به آن‌ها ابلاغ شده است، محمد جواد شکوری مقدم، مدیر سایت آپارات به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به تحمل یک سال حبس، به اتهام «انتشار محتویات مبتذل» به تحمل یک سال حبس، و از بابت اتهام «تشویق به فساد» به ۱۰ سال حبس و در مجموع به ۱۲ سال حبس محکوم کرد. دادگاه همچنین هر یک از هفت متهم دیگر این پرونده را به اتهام «تشویق به فساد» به تحمل ۱۰ سال حبس و به اتهام «انتشار محتوای مبتذل» به تحمل یک سال حبس و در مجموع هرکدام را به ۱۱ سال حبس محکوم کرده است.**

**این احکام در حالی صادر شده است که برای مثال در سند توسعه ۲۰۳۰ کشورها متعهد به آن می‌شوند که اطلاع‌رسانی و آموزش همگانی به ویژه با هدف تنظیم خانواده باید صورت بگیرد.**

**حتی در بهداری‌های زندانیان نیز زندانیان تحت شکنجه قرار می‌گیرند. پزشک موظف است تا آخرین لحظه از محکومان به مرگ پرستاری و مراقبت کند اما این افراد در زندان‌های حکومت اسلامی با شکنجه‌گران همراهی و حتی همکاری می‌کنند. در زندان‌های حکومت اسلامی، پزشک و سایر کادر پزشکی جزئی از سیستم شکنجه بوده و کارشان تحمیل درد به جسم و روح زندانی است.**

**عمل جراحی‌های کوچک بدون بی‌هوشی و یا بی‌حسی موضعی، در اختیار نگذاشتن داروهای مسکن، قطع تزریق داروی مسکن در سرم زندانیِ تحت دیالیز و کسانی که از درد به خود می‌پیچند به دستور بازجو، فرو کردن پنس و جسم تیز در زخم‌های ناشی از شکنجه توسط بازجو در بهداری، حضور یافتن بازجویان با انواع و اقسام وسائل شکنجه در بالای تخت بیماران و بررسی وضعیت آنان جهت بردن به شکنجه‌گاه و انجام تهدید‌های مکرر، اجبار بیماران به کشیدن پتو روی سرشان، تا بازجویان شعبه هفت و ۲۰۹ بتوانند زندانی بیمار مورد نظر را در همان اتاق روی تخت بهداری مورد بازجویی و شکنجه قرار دهند، برای حضور حاکم شرع در بهداری و برگزاری دادگاه در کنار تخت زندانی، کشیدن دندان بدون استفاده از داروی بی حسی، عدم رعایت موازین و اصول پزشکی در درمان زندانیان، تلاش برای درمان مقطعی زندانی به‌منظور آماده کردن وی برای شکنجه بیش‌تر.**

**وادار کردن زندانی به زدن کابل به همسر، بستگان، دوستان نزدیک و... شکنجه‌‌کردن اعضای خانواده‌ در مقابل دیدگان زندانی، شنیدن فریاد‌های ملتمسانه‌ همسر، پدر و مادر، فرزند و ... در زیر شکنجه تهدید به دستگیری اعضای خانواده‌(پدر و مادر، همسر و فرزند، خواهر و برادر)، گروگان گرفتن اعضای خانواده، گرسنگی دادن به طفل شیرخوار برای فشار آوردن روی مادر، شکنجه‌ کردن مادر و پدر در مقابل دیدگان فرزند خردسال، دادن اطلاعات نادرست در مورد سرنوشت اعضای خانواده‌(کشته شدن فرزند و یا اعضای خانواده و ...)، مصادره‌ اموال و در به در کردن خانواده و یا تهدید به انجام آن و...**

**اجبار زندانی به در آوردن صدای حیوانات مانند عرعر کردن، پارس کردن، قارقار کردن و یا صداهای نامفهوم درآوردن، نشستن روی پشت زندانی و اجبار او به حرکت به شیوه چهارپایان، مسخره کردن زندانی با شیوه‌های گوناگون، اجبار زندانی به بر زبان راندن عبارت‌های تحقیرآمیزی چون: گه خوردم! غلط کردم و ...، اجبار زندانی به انتخاب نوع شکنجه مانند انتخاب نوع و اندازه‌ کابل مورد استفاده در شکنجه و...**

**بردن زندانی بر سر جنازه‌ افراد خانواده، دوستان و رهبران جریان‌های سیاسی، بردن زندانیان برای دیدن جنازه در بالای دار، سطل آشغال و ...، دار زدن زندانی در مقابل چشمان حیرت‌زده‌ دیگر زندانیان، بردن زندانیان به صحنه‌های اعدام و اجبار آن‌ها به شرکت در جوخه اعدام، زدن تیر خلاص، حمل جنازه، دادن شعار علیه قربانیان، نشان‌دادن پیکر درهم شکسته شده‌ فرزند، همسر و بستگان به زندانیان، اجبار زندانی به دیدن صحنه دلخراش اعدام همسر، برادر و ...، استفاده از چشم‌بند در مراحل دستگیری، بازجویی و شکنجه که گاه تا ماه‌های متوالی ادامه می‌یابد، نشاندن زندانی پشت در شعبه‌ بازجویی، شکنجه‌گاه و راهروها برای ساعت‌ها و روزهای متوالی‌، بیدار نگاه داشتن زندانی برای ساعت‌ها و روزهای متوالی، فراخواندن‌های متوالی زندانی برای بازجویی در شب، اجبار زندانی به گوش کردن مصاحبه‌های افراد درهم شکسته و گاه بحث با آن‌ها، بلاتکلیفی طولانی زیر حکم و یا زیر بازجویی، نداشتن ملاقات با بستگان درجه‌ یک، اعمال فشار روحی روی زنان زندانی از طریق طرح سئوال در مورد آماد‌گی‌شان برای ازدواج با پاسداران و افراد حزب‌اللهی‌ها.**

**قرار دادن زندانی در جوخه اعدام و تیرباران افرادی که در کنار او قرار دارند، اجرای نمایشی مراسم دار زدن زندانی‌(طناب به دور گردن زندانی انداخته شده و به آهستگی و با احتیاط وی را بالا می‌کشند، پاها از روی زمین جدا شده و حالت خفگی به زندانی دست می دهد، این عمل چندین بار تکرار می‌شود، بردن زندانی به اتاق وصیت و اجبار او به نوشتن وصیت‌نامه، نوشتن اسم زندانی با ماژیک روی پایش که یکی از مراحل قبل از اعدام است، فراخواندن‌های متوالی زندانی در شب به‌منظور آماده شدن برای اجرای حکم اعدام و منتظر نگاه داشتن وی، تهدید به کشتن و دفن جنازه در محلی نامشخص به گونه ای که کسی از سرنوشت زندانی آگاه نشود، خواباندن چندین ساعته‌ زندانیان در گودال افراد و تهدید آنان به اعدام‌(تابستان ۶۰ اوین)، تهدید به اعمال شکنجه‌های وحشیانه و کشتن زیر شکنجه.‌‌(با توجه به سوابق امر و تجربیات زندانی، تنها شکل تهدید نداشته است)**

**شلیک در رحم و بیضه زندانی، تاخیر در زدن تیر خلاص به زندانی به منظور جانکاه‌تر کردن مرگ، شلیک از کمر به پایین و رها کردن زندانی، زنده به گور کردن افراد، تجاوز به زنان باکره قبل از اعدام، محکوم کردن زندانی به تحمل ضربات شلاق پیش از اجرای حکم اعدام، نگاه داشتن زندانی و انداختن طناب به دور گردنش در مواردی که وی به‌علت شدت جراحات وارده و یا فلج شدن قادر به ایستادن نباشد، آویزان شدن از پای کسانی که به دار آویخته‌‌ شده‌اند، اعدام زنان باردار، دار زدن با جرثقیل و گرداندن جنازه در شهر، قرار دادن جنازه در محل‌های عمومی شهر مانند میدان‌ها، پل‌های معروف و دیگر مکان‌های پر رفت‌و‌آمد و ...**

**حمله و یورش پاسداران و مسئولان زندان به بندها و ضرب و شتم شدید زندانیان با کابل، زنجیر، چوب، مشت و لگد و ...، ضرب و شتم شدید زندانیانی که در اعتصاب غذا به سر می‌برند و اجبار آن‌ها به شکستن اعتصاب غذا، نبردن بیماران و حتی در اختیار قرار ندادن داروهای حیاتی زندانی، گرسنگی مفرط دادن به زندانیان، سوء‌استفاده‌ جنسی نگهبانان و پاسداران مرد از زندانیان کم سن و سال، زدن آمپول هوا و...**

**عدم آزادی زندانیان پس از اتمام محکومیت و ابلاغ حکم جدید و یا ابلاغ حکم ثانویه مبنی بر این که تا اطلاع ثانوی(احراز توبه) در زندان می‌مانید، الزام به نوشتن انزجارنامه و شرکت در مصاحبه‌های اجباری به‌منظور آزادی از زندان، الزام افراد به گذاشتن وثیقه، ضامن و سند ملکی بعد از اتمام محکومیت برای آزادی از زندان، اجبار به شرکت در کلاس ها و برنامه های فرهنگی، مذهبی، سیاسی و ...، اجبار زندانی به خواندن سرود «خمینی ای امام» به هنگام رفتن به هواخوری، پخش نوارهای نوحه و زاری به‌صورت مداوم از بلندگوهای بند، اجبار زندانی به نوشتن مقاله برای سال روز ورود خمینی و یا مراسم مشابه،‌ نگارش انواع و اقسام شعارها، سخنان خمینی، بهشتی و دیگر سران حکومت به دیوارهای بند و محل‌های آمد‌‌و‌‌شد زندانیان، اجبار زندانیان به فرمان‌برداری از تواب‌ها، اجبار زندانی به زندگی در کنار تواب‌ها و کسانی که در جنایت‌های حکومت دست دارند، کنترل دائم زندانیان از طریق تواب‌ها و عناصر بریده و ارائه گزارش لحظه به لحظه از اقدامات زندانیان به بازجویان و مقامات زندان، عدم فرصت کافی برای استفاده از توالت و حمام، اجبار زندانی به استفاده از آب سرد برای استحمام، ادغام زندانیان سیاسی و عادی و بعضا خطرناک، هم‌سلول کردن زندانیان مسلول‌(سل ریوی، غدد لنفاوی، مغز استخوان) با زندانیان سالم در انفرادی گوهردشت که منجر به شیوع بیماری سل در زندان شد، اجبار به زندگی همراه با بیمارانی که از روان‌پریشی شدید و مزمن رنج می‌برند، اجبار مادران به نگه‌داری کودکان‌ خردسال‌شان در زندان بدون داشتن کوچک‌ترین امکانات بهداشتی، درمانی، رفاهی و ...**

**اجبار زندانی به کار در کارگاه زندان، اجبار زنان به سر کردن چادر سیاه، اجبار زنان به رعایت حجاب در سلول انفرادی، ممنوعیت ملاقات برای مدت‌ های طولانی، عدم امکان ملاقات اعضای درجه یک خانواده‌‌(برادر و خواهر)، عدم امکان نامه‌نگاری مرتب با اعضای خانواده، قطع هواخوری برای ماه‌های متوالی، قطع سیگار، روزنامه‌، تلویزیون و ...، حمله به بندها و تخریب وسائل دست‌ساز زندانیان، اجبار زندانیان مارکسیست و غیر‌مذهبی به انجام فرائض دینی مانند نماز، روزه و ...، تحقیر زندانیان غیر‌مذهبی و غیر‌مسلمان با نجس خواندن آن‌ها و اعمال محدودیت‌هایی در رابطه‌ با آن‌ها مانند ممنوعیت شستن دیگ غذا و ظروفی که مورد استفاده عمومی قرار می‌گیرد و ...**

**انتقال زندانی به وزارت اطلاعات و نهادهای امنیتی و مجبور کردن وی به پر کردن فرم‌ها و لیست‌های مختلف، حضور کودکان در شکنجه‌گاه به هنگام شکنجه‌ والدین و تحمل فشارهای بعدی ناشی از آن، تنها شدن کودک در سلول انفرادی به هنگام شکنجه‌ والدین و شنیدن صدای آن‌ها در زیر شکنجه، مشاهده‌ وضعیت ناگوار پدر و به ویژه مادر بعد از شکنجه، تلاش بازجویان برای کسب اطلاعات از کودکان در مورد پدر و مادر و رابطه‌هایشان با دیگران که به روش‌های گوناگونی انجام می‌شود، محرومیت از داشتن شیر خشک، پوشاک مناسب، پوشک، داروهای مورد نیاز و ...، رنج بردن از سو‌ء‌تغذیه و عدم رعایت موازین بهداشتی در زندان، محرومیت از تنفس آزاد، بازی، دیدن کودکان هم‌سن و سال، داشتن اسباب بازی و ...، ضرب و شتم، دستگیری، بازجویی و شکنجه‌ مادران و همسران و فرزندانی‌ که در بهشت زهرا و گورستان خاوران بر سر قبرهای عزیزان‌شان تجمع می‌کنند و...**

**شکستن سنگ ‌قبرهای زندانیان اعدام شده توسط عوامل حکومتی، تهدید خانواده‌های زندانیان اعدام شده مبنی بر عدم برگزاری مراسم یادبود و یا سوگواری، تبعید زندانیان به زندان‌هایی دور از شهر و محل سکونت خانواده که مشکلات زیادی را در راه ملاقات خانواده‌ها با فرزندان‌شان ایجاد می‌کند: اعزام زندانیان سیستان و بلوچستان، بندرعباس، بوشهر، مسجدسلیمان، برازجان، بهبهان، کردستان، کرمانشاه، مشهد و ... به تهران و کرج نمونه‌ای از آن است، دستگیری، بازجویی و شکنجه‌ خانواده‌هایی که به‌شکل دسته‌جمعی به دادستانی و مراکز قضایی حکومت برای دادخواهی نسبت به وضعیت بستگان‌شان رجوع می‌کنند، ربودن، شکنجه و سر به نیست کردن زندانی پس از آزادی، تعقیب و مراقبت علنی و غیر‌علنی برای ایجاد فضای رعب و وحشت دائمی برای زندانی آزاد شده، گرفتن تعهد از زندانی مبنی بر این که در صورت تماس سازمان‌ها و یا افراد سیاسی با او مراتب را به وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب اطلاع دهد، ارسال فیلم، نشریه، جزوه، کتاب سازمان‌های سیاسی مخالف حکومت، از سوی وزارت اطلاعات برای زندانیان آزاد شده جهت تحت فشار قرار دادن بعدی برای جلب همکاری آن‌ها، کنترل تلفن و ضبط مکالمه‌های تلفنی زندانیان آزاد شده به‌منظور ایجاد فشارهای بعدی، قرار دادن زنان تن‌فروش و همکار وزارت اطلاعات بر سر راه سوژه مورد نظر به‌منظور ایجاد رابطه‌ جنسی با او و فیلم‌برداری از آن برای تحت فشار قرار دادن سوژه و...**

**در سال ۲۰۱۹، دست‌کم ۱۱ زن در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند. بسیاری از زنان زندانی در ایران تنها به‌دلیل دفاع از خود و حیثیت‌شان به اعدام محکوم شده‌اند. زنان قربانی خشونت در ایران از هیچ‌گونه حمایتی از سوی دولت برخوردار نیستند. در قوانین حکومت اسلامی ایران در قبال تجاوز به زنان، نسبت به مهاجم آسان‌گیری و نسبت به قربانی سخت‌گیری وجود دارد.**

**زنان محکوم به اعدامی که به اتهام محاربه به دارآویخته شدند، علاوه بر مجازات مرگ، اغلب مجازات‌های مضاعفی را نیز به دلیل جنسیت خود تحمل کرده‌اند.**

**پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، سران حکومت اسلامی سیستم حقوقی و قضایی ایران را به‌طور کامل تغییر داده و با وجود اعتراضات شدید و گسترده حقوق‌دانان، سن رشد و مسئولیت کیفری را در قوانین مربوطه کاهش دادند. این تغییر، همراه با نقض سیستماتیک تشریفات و الزامات دادرسی، پیامدهای وخیم و مرگ‌باری برای هزاران متهم زیر ۱۸ سال داشته است.**

**تعداد کودکان اعدام شده در ایران در طول ۴۱ سال گذشته بی‌شمار است و تلاش حکومت ایران برای مخفی نگه‌داشتن تعداد واقعی اعدام‌ها سبب شده است موارد دقیق آن مشخص نشود.**

**سنگسار مجازات مرگی است که در عهد عتیق مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز در برخی از کشورهایی که حاکمیت اسلامی دارند به‌عمل می‌آید. محکوم از طریق پرتاب سنگ از طرف گروهی که در این عمل شرکت می‌کنند کشته می‌شود.**

**اصغر اسکندری معروف به «سیاحی»، کارمند وزارت اطلاعات در اعترافات پرونده‌ی قتل داریوش و پروانه فروهر گفته است: «این نمونه اقدام‌ها روال کار تشکیلات وزارت بوده و در نتیجه اقدامات مذکور بار اول این‌جانب نیز نبوده است. از چندین سال قبل از حذف‌های موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای ما با آن مانوس بودیم تا حدی که در پیش‌بینی برنامه‌های سالانه شاخص‌ترین فعالیت‌های حذف و ربایش در نظر گرفته می‌شد و این امر هنوز به صورت مکتوب در اسناد تشکیلات باقی است.»**

**با توجه به منابع فقه اسلامی روش‌های انواع اعدام با توجه به نوع جرم تعیین می‌شود. شایع‌ترین روش‌های انواع اعدام در شرع اسلام عبارتند از: سنگسار، قطع سر با شمشیر، آتش زدن، صلب(در صورت زنده ماندن فرد مصلوب آزاد می‌شود)، خراب کردن دیوار بر مجرم، پرتاب کردن از بلندی با دست و پای بسته.**

**اعدام و شکنجه در قوانین ایران از کتاب قرآن، سنت و مقررات اسلامی و البته منابع فقهی شیعه می‌آید. بخشی از احکام اعدام مربوط به گروهی از مجازات‌های «حد شرعی» و برخی دیگر «تعزیر» است. در مجازات حد، کیفیت و کمیت آن توسط شرع اسلام تعیین شده است و مراجع قضایی و قضات اختیاری درباره کم و کیف آن ندارد. بر خلاف مجازات حد، شرع اسلام برای مجازات تعزیری جزئیاتی را پیش‌بینی نکرده و تعیین آن از اختیارات حکومت اسلامی است. به‌طور مثال حکم اعدام محکومان پرونده‌های مبارزه مسلحانه بر اساس حد شرعی و حکم اعدام محکومان پرونده‌های تجارت مواد مخدر تعزیری است.**

**چهار گروه عمده جرائم در ایران که مجازات اعدام در پی دارد: قتل عمد؛ جرائم جنسی‌(هم‌چون تجاوز به عنف و زنا با محارم)؛ ارتداد؛ و در نهایت جرائمی هم‌چون افساد فی‌الارض‌(دامنه آن بسیار وسیع و گسترده است) و محاربه‌(به معنی قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی) که حکومت اسلامی آن را تهدید و خطر امنیت بقای خود تلقی می‌کند.**

**مجازات قتل عمد در ایران در صورتی که ولی دم از تقصیر محکوم نگذرند و او را نبخشند، قصاص نفس یا همان اعدام است. از سه گروه اصلی مجازات اعدام، فقط تصمیم‌گیری درباره قصاص نفس که مرتبط با قتل عمد است در اختیار حکومت اسلامی نیست. به این معنی که اعدام قاتل به جز موارد استثنایی در اختیار اولیای دم مقتول است و دادگاه در صورتی که متهم را قاتل تشخیص دهد، درباره مجازات اعدام او راسا نمی‌تواند اعمال نظر کند و اجرای حکم به شاکی یا شاکیان بستگی دارد.**

**در سه گروه دیگر اعدام‌ها یعنی جرائم جنسی، ارتداد و سبب نبی‌(دادن دشنام یا نسبت‌های ناروا به پیامبر اسلام) و جرائم امنیتی، تصمیم به اشد مجازات در قوانین حکومت اسلامی ایران که اعدام است، از سوی دادگاه گرفته می‌شود. یک عنوان اتهامی دیگر هم در ایران وجود دارد که «افساد فی الارض» نامیده می‌شود.**

**حکومت اسلامی بر اساس قانون قصاص ضدانسانی خود وحشیانه‌ترین مجازات‌ها را در حق مردم اعمال می‌کند. مجازات‌های وحشیانه قطع دست، بیرون آوردن چشم از حدقه و... مجازات‌های ضدانسانی هستند که توسط حکومت اسلامی و قوانین شرعی آن توجیه و اعمال می‌شوند.**

**حکومتی که مبنای دینی و ایدئولوژیک و در صحنه سیاست تمام اعمالش دینی است، صحبت کردن از انتخابات و اصلاح آن توهین به شعور و آگاهی انسان‌هاست، هنگامی که دین و قوانین‌اش از پوشش گرفته تا زندگی اجتماعی، سیاست، فرهنگ، هنر، ورزش، حقوق زنان، کودکان، اقتصاد و حتی دخالت در خصوصی‌ترین امر شهروندان، صحبت کردن از دمکراسی و حق مردم توهم مشمئزکننده‌ای بیش نیست و مدافعان آن هم کسانی هستند که مستقیم و غیرمستقیم در بقای این حکومت نفع دارند.**

**حکومت اسلامی بر پایه اسلام شکل گرفته و سران و مقامات آن متعهد به رفتار مطابق با اخلاق شیعی هستند. در این ایدئولوژی که ارتباط زن و مرد چنان محدود است که حکومت برای آن نیروی نظامی در خیابان‌ها بسیج می‌کند، در نظامی که پوشش بدن و سر زنان به شدت توسط نیروهای انتظامی کنترل می‌شود، چه‌طور است که مدیران زندان‌ها و زندان‌بانان و شکنجه‌گرانش در زندان‌ و بخش‌های امنیتی این چنین بی‌پروا از شکنجه‌های جنسی استفاده می‌کنند؟ این افراد کجا و چه‌طور با این ادبیات و این تصورات جنسی آشنا شده‌اند؟ آیا همان‌طور که بنیان‌گذار حکومت اسلامی گفت، «حفظ نظام اوجب واجبات است» و هر فعلی از سوی سر ان حکومت برای حفظ آن توجیه‌پذیر است؟**

**حکومت اسلامی با تکیه به دین و انواع و اقسام نیروهای سرکوبکر و ماشین کشتار بر سریر قدرت نشسته است. از سپاه و بسیج و لباس شخصی‌ها و تمام قوای تا بیخ گوش نظامی‌اش گرفته تا مجلس و شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و بر فراز سرشان ولی وقیح‌شان همه م همه وظیفه دارند به هر بهایی و لو سرکوب‌های خونین از حاکمیت دفاع کنند. اما در سوی دیگر جنبش کارگری، زنان، دانشجویان، روشنفکران و هنرمندان مترقی و تهیدستان قرار دارند که در جنگ طبقاتی دایمی با حکومت حافظ سرمایه دارند. این جنگ طبقاتی دیر زمانی است که راه افتاده است و تنها را رسیدن به آزادی، برابری، عدالت اجتماعی که در راس آن جدایی کامل دین از دولت، برابری حقوقی و انسانی زنان و مردان، تامین زندگی آموزش و درمان رایگان برای همه کودکان تا ۱۸ سالگی، آزادی همه زبان‌های مادری و یک جامعه خودمدیریت است که با رعایت تمام حقوق‌های شهروندی و زمینه‌سازی برای جامعه رفاه و آزاد و برابر، سرنگونی تمامیت این حکومت جانی است.**

**ضرورت دارد که از هم اکنون، آن‌چنان وسیع و گسترده و رسا درباره لغو هرگونه شکنجه و اعدام و برچیدن زندان‌های سیاسی و اجتماعی در ایران تبلیغ و ترویج کنیم و آن‌چنان افکار عمومی قوی حول آن‌ها به وجود آوریم که در فردای سرنگونی حکومت اسلامی، هیچ فردی و جمعی و حزبی جرات ادامه این سیاست‌های جانیانه و وحشیانه و انتقام‌گیری را علیه مخالفین و منتقدین خود نداشته باشد!**

**سه‌شنبه سیزدهم آبان ۱۳۹۹ - سوم نوامبر ۲۰۲۰**